

تحلیل مفهومی و روش‌شناختی کتب تعلیمات دینی (تألیف شهید بهشتی و همکارانشان) و تأثیر آنها بر فرایند فهمیدن و برانگیختن قوه تفکر دانش‌آموزان

محمد رضا شرفی
استادیار دانشگاه تهران

کتب تعلیمات دینی سالهای پیش از انقلاب اسلامی که با اهتمام شهید دکتر بهشتی و همکارانشان تألیف و تدوین گردید از حیث محتوی، ساختار و نیز روش سامان بخشیدن مباحث، حائز تأمل و توجه جدی است. به ویژه که پس از گذشت حدود سه دهه از زمان تألیف آنها، همچنان از جامعیت و جذابیت خاصی برخوردار است.

این مقاله درصدد است تا با تحلیل متدولوژی (روش‌شناختی) کتب مذکور را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. غالباً در تألیف کتابهای دینی بیش از برانگیختن "قوه تفکر" در جهت "انتقال مطالب و مفاهیم" تلاش به عمل می‌آید و حال آن که تأکید بر مؤلفه فهم و برانگیختن قدرت تفکر می‌تواند اثرات آموخته‌ها را پایدار ساخته و نوعی قدرت ارزیابی نیز در فراگیران پرورش دهد. کتب تعلیمات دینی در زمان شهید دکتر بهشتی و همکارانشان به این مؤلفه یعنی برانگیختن قوه تفکر نیز معطوف است به ویژه که فهم خود دارای دو نوع است؛ "فهم مکانیکی" (Mechanical Understanding) و "فهم عقلی" (Reasoned Understanding) می‌باشد و هر یک از آنها دارای ویژگیها و کارکردهای مختص به خود می‌باشد. در این مقاله شواهدی از کتب مذکور که متضمن پرورش قوه تفکر است، ارائه شده و به ویژگیهای روش‌شناختی کتابهای تعلیمات دینی اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، تحلیل کیفی، تحلیل روش‌شناختی، یادگیری، فهم مکانیکی، فهم عقلی، کتب تعلیمات دینی عامل تأثیرگذار بر تدریس.